بسم الله الرحمن الرحیم

# استاد طباطبایی حفظه الله

# بحث واجب نفسی و غیری

#  جلسه ۱۱/۰۸/۱۴۰۰

در مقام اول بحث گذشت که عند الشک در وجوب نفسی و غیری اقتضای اصل لفظی چیست.

 اما عند الشک در وجوب نفسی و غیری در مقام اصل عملی چه باید کرد؟

در مقام اصل عملی گاهی نتیجه اصل عملی به گونه ای است که با غیریت و گاهی با نفسیت می سازد.

صور متعددی ذکر کردند ۴ صورت ، مرحوم نایینی ۳ صورت اضافه کردند و هر گروه مثال زدند.

مرحوم آخوند رحمة الله علیه به ۲ صورت اشاره کردند و وارد بحث دیگر شدند:

ورود به صورت تفصیل نتیجه ای ندارد. و صرفا باید اشاره کرد. مثالها هم غالبا فرضی و در باب نذر است و مورد ابتلا نیست.

سید استا‌ذ رحمة الله علیه در این دوره بحث مطلب زیادی در این مطلب ذکر نکردند. ما هم اکتفا به همانی که در کفایه آمده می کنیم.

## مرحوم آخوند رحمة الله علیه در کفایه می فرماید :

اگر شک در وجوب نفسی و غیری شد و اصل لفظی نبود: یک مرتبه شک در وجوب نفسی است و یک مرتبه شک در غیریت و مقدمیت می کنیم برای واجب نفسی دیگر که آن فعلیت ندارد.

اگر شک در نفسی و غیری کردیم و آن واجب دیگر در فرض غیری، که مرتبط است وجوبش فعلیت دارد.

پس در فرض واجب غیری عند شک گاهی واجب دیگر فعلی است و گاهی فعلی نیست. در این دو مورد مقتضای اصل عملی فرق می کند.

اگر امر دایر شود بین نفسی و غیری برای واجب فعلی دیگر:

مثل کسی که می داند نذر کرده به اینکه مثلا ، متعلق نذر را نمی داند وضو است یا نماز . اگر وضو باشد نفسی و متعلق نذر اگر نماز باشد چون وضو می خواهد و «لا صلاة الا بطهور» ، غیری است. به هر صورت می داند که وضویی بر او واجب است، منتهی نمی داند با وجوب وضوء اگر متعلق نذر وضو باشد نفسی است و اگر متعلق نذر نماز باشد می شود غیری که یتوقف علیه الوضوء.

وجوب صلاة در اینجا فعلی است. در اینجا فرمودند نسبت وضو باید احتیاط کرد و بر او واجب است. باید وضو را گرفت ، یا نفسا یا غیرا بر او واجب است. اما نسبت به صلاة، انسان برائت جاری می کند.

چون در واقع در اینجا علم اجمالی داریم ، یا وضو یا صلاة واجب است و یا این را نذر کرده یا آن را. این علم اجمالی هر چند احتیاط را اقتضا دارد هم وضو و هم نماز بخوانیم ولی تا جایی است که علم اجمالی منحل نشود. اگر علم اجمالی منحل شود دیگر این احتیاط نیاز نیست و اینجا این علم منحل می شود.

یک طرف علم اجمالی وجوب وضو است و کسی که می داند یک وضو در هر صورت بر او واجب است او علم تفصیلی دارد و حکما این علم منحل می شود. پس وضو را به موجب علم تفصیلی باید اتیان کند ولی شک نسبت به صلاة شک بدوی است و برائت جاری می کنیم.

اگر اینطور گفتیم نفسی بودن وضو را نتیجه می دهد . اینکه باید وضو بگیرد ، با نفسی بودن وضو می سازد چراکه اگر وضو نفسی بود شما فقط یک وضو می گرفتید. الان هم که اصل را جاری کردیم نتیجه اش نفسی بودن وضو است.

اما در صورت دیگر که شک در نفسی و غیری بودن است در جایی که علم به واجب دیگر فعلی نباشد.

مثلا مرئه حائض می داند که برایش وضو واجب است در شریعت وضو واجب شده و نمی داند وضو وجوب نفسی دارد یا به خاطر نماز است. بر حائض نماز واجب نیست. نمی داند این وضو را باید نفسا بگیرد، یا برای غیری باشد که فرض اینست که این غیر ، فعلی نیست، نماز برای مرئه حائض فعلی نیست. در این فرض بر خلاف مثال قبل صلاة فعلی نیست. در این مورد برائت از وجوب وضو جاری می کنیم. درست است که ابتداء وضویی واجب است ولی متعلق وضویی است که بر تقدیر نفسی، فعلی است. و بر تقدیری که غیری باشد و تعلق گرفته باشد بر مقدمه آخر و غیریت ، فعلی نیست.

و علم اجمالی در جایی منجز است که وجوب فعلی باشد بر جمیع تقادیر در اینصورت باید رعایت احتیاط نسبت به جمیع تقادیر بشود. اما شک دارد نسبت به بعضی از تقادیر فعلی و نسبت به ما بقی شکی نیست و وجوب فعلی نباشد ، اینجا مجرای برائت خواهد بود یعنی از اول شکی نخواهد بود.

چون علم اجمالی به وضوی فعلی ندارد، در محل کلام برائت جاری می کند . چون شک در وضوی فعلی ندارد. و صلاة هم که فعلی نیست چون مرئه حائض و نماز ندارد.

مرحوم آخوند رحمة الله علیه این دو را مطرح کردند و بعد به بحث دیگر وارد می شوند که آثار وجوب نفسی است.

عبارت مرحوم آخوند رحمة الله علیه که کوتاه است اینگونه است:

 **كفاية الأصول ( طبع آل البيت ) ؛ ص110**

هذا إذا كان هناك إطلاق(این بحث در جایی است که اصل لفظی باشد) و أما إذا لم يكن (اصل لفظی) فلا بد من الإتيان به (مثلا وضو را باید بگیرد در مثال) فيما إذا كان التكليف بما احتمل كونه شرطا له فعليا (تکلیف به واجب نفسی دیگر فعلی باشد) للعلم بوجوبه فعلا (علم بوجوب فعلی وضو داری) و إن لم يعلم جهة وجوبه (نمی داند نفسی است یا غیری) و إلا (فعلی نباشد) فلا (علم اجمالی فعلی نیست و برائت جاری می شود ) لصيرورة الشك فيه بدويا كما لا يخفى.[[1]](#footnote-1)

برخی این عبارت را جور دیگر معنا کردند که با آن کار نداریم . آیا صاحب کفایه نظرشان مثل همین دو مثال است که با آن کاری نداریم.

نکته: در آن حالت اول با برائت اشتغال ذمه را بری می کنید و دیگر اشتغال ذمه نداریم. و علم اجمالی ما منحل شد به علم تفصیلی به وضو و شک بدوی در صلاة . این علم منحل شده. انحلال حکمی پیدا کرده. در صورتی که واجب فعلی است علم به وجوب فعلی وضو مثلا داریم و باید احتیاط کند . علم تفصیلی به وضو دارد. ولی نسبت به صلاة مشکوک برائت جاری می کند.

## تذکرات مرحوم صاحب کفایه رحمة الله علیه:

در تنبیه اول متعرض ۳ مطلب می شوند:

1. موافقت وجوب غیری ثواب دارد یا نه؟ و مخالفت وجوب غیری عقاب دارد؟
2. اگر کسی ذی المقدمه را ترک کرد آیا از حین ترک مقدمه عقاب می شود یا حین ترک ذی المقدمه معاقب است؟
3. بعضی از واجبات غیری که وجوب مقدمی دارند چطور ثواب بر آنها مترتب است ؟ مانند زیارت امام حسین علیه السلام برای هر قدمی این مقدار ثواب دارد این چگونه است؟

نسبت به جهت اول:

 که مخالفت و موافقت واجب غیری ثواب و عقاب دارد یا نه؟ می فرماید ندارد.

می فرمایند این از بدهیات است. چنین نیست که دو عقاب کنند. یک عقاب بر واجب و یکی بر ترک مقدمه . یا اگر امتثال واجب غیری کرد مسلم نیست که دو ثواب داشته باشد یکی بر واجب و یکی بر مقدمه.

وجه اینکه تعدد عقابی نیست و یا واجب غیری مخالفتش عقابی ندارد به صور مختلفی تقریب می شود:

1. تارة می گویند پشتوانه اش حکم عقلاست.
2. یک بار می گویند پشتوانه اش حکم عقل و مقتضای برهان اینست. برهان را هم به ۲ صورت گفتند.

برخی هم می گویند عدم عقاب پشتوانه اش حکم عقلاست می گویند رجوع به عرف عقلا کنید: وقتی مولای عرفی امری کرد بر عبد، و آن امر بر ۱۰ مقدمه متوقف بود، آیا عرف عقلا در صورت ترک ۱ چوب برای امر اصلی و ۱۰ چوب می زنند برای مقدمات؟ آیا عرف عقلا این آدم را مستحق چند عقاب می داند؟

وقتی عبدی هر دوی واجبی که مقدمه ندارد و واجبی که مقدماتی دارد را ترک کرد، اینطور نیست که آنکه مقدمه دارد چند عقاب بکنند. و عرف عقلا اینگونه نمی دانند که برای آن واجبی که مقدماتی دارد چند عقاب کنند.

و السلام

1. آخوند خراسانى، محمد كاظم بن حسين، كفاية الأصول ( طبع آل البيت ) - قم، چاپ: اول، 1409 ق. [↑](#footnote-ref-1)